

حضور اسامه بن لادن در «سپهر همگانی» - یا تأثیر بر افکار عمومی

عبدی کلانتری

همه می دانند که نبرد میان «تروریسم» و «ضد تروریسم» (اصطلاحاتی نسبی و حامل بار ایدئولوژیک)، یا نبرد میان اسلام سیاسی غرب ستیز و تمدن غربی، نه تنها یک جنگ «گرم» به معنی رایج آن است، بلکه همچنین نبرد واژه ها و تبلیغات، یا نبرد «دیسکورس» های سیاسی نیز هست؛ اینکه کدام حریف بتواند در میدان تبلیغ و ترویج مخاطبان (افکار عمومی) را بیشتر مجاب و ترغیب کند و به سمت خود بکشد. توضیح علت ها و معلول ها و ریشه های تاریخی پدیده ها، انگیزه افراد در گیر در دو سوی این نبرد و به طور کلی، تصویر عامی که رهبران و ایدئولوگ های دو اردوگاه ترسیم می کنند با یکدیگر تفاوت بنیادی دارد و «همان واقعیت» را با دو طرح یا دو نقاشی متفاوت جلوی چشم ما می گذارند. مردم کدام صدا را می شنوند، کدام را باور می کنند، تجربه زیستی خودشان چه نقشی در این باور کردن ها دارد؟

امروزه، در «سپهر مجازی همگانی» که همان رسانه ها و «اینترنت» باشد، رهبران سیاسی، ایدئولوگ ها و انواع روشنفکران، همه در کار «تفسیر جهان» هستند که اگر در میان افکار عمومی گوش شنوایی بیابد به تغییر جهان نیز چه بسا بینجامد. کدام یک از این دو گفتار سیاسی (دو دیسکورس) برای شما مجاب کننده تر است: جورج بوش و دموکراسی او برای خاورمیانه یا اسلام سیاسی و «عدالت خواهی» اش برای حفظ حرمت و هویت مسلمان توهین شده و محروم از سود منابع سرزمین اش؟

هفته پیش اسامه بن لادن به مردم آمریکا پیام داد که: «این جنگ یا به نفع ما تمام خواهد شد یا به نفع شما. در حالت اول، برای شما خُسران و شرم همیشگی خواهد آورد، اما اگر ما ببازیم، آنوقت به تاریخ نگاه کنید! ما مردمی هستیم که بی عدالتی را بر نمی تابیم و جان مان را بر سر انتقام خواهیم گذاشت. شب و روزی نخواهد بود که ما به خواست خدا انتقام مان را مثل یازده سپتامبر از شما نگیریم. اذهان تان برآشفته خواهد ماند و زندگی هاتان تلخ خواهد شد. اما ما چیزی نداریم که از دست بدهیم. شناگر دریا از باران نمی ترسد. شما سرزمین ما را تصرف کردید، حرمت و شأن انسانی ما را زیر پا له کردید، خون ما را زمین ریختید و پول ما را دزدیدید، خانه های ما را خراب کردید و امنیت ما را از میان بردید. ما نیز با شما همان رفتار را خواهیم کرد. شما نگذاشتید که ما یک زندگی شریف داشته باشیم اما هرگز نخواهید توانست از مرگ شریف ما جلوگیری کنید. اگر جهاد نکنیم طبق دین مان گناهکاریم. بهترین مردن برای ما در سایه

شمشیر است. خیال نکنید قدرت و تسلیحاتِ مُدرن تان ما را خام می کند. با این تسلیحات شاید یکی دو نبرد را برنده شوید اما جنگ را خواهید باخت...»

نخستین واکنش آمریکایی ها به پیام اسامه بن لادن، بالارفتن بی سابقهء فروش کتابی بود که بن لادن خواندن اش را به همه توصیه کرد. هنگامی که پیام اسامه بن لادن خطاب به مردم آمریکا، در جهان پخش شد و طی آن، او گفت برای جلوگیری از وقوع یک یازدهم سپتامبرِ دیگر، حاضر است به طورِ دراز مدت به دولت بوش آتش بس بدهد به شرطی که بوش هم نیروهایش را از عراق و افغانستان بیرون ببرد، او همچنین اضافه کرد که، «اگر جورج بوش خیال این را داشته باشد که به دروغ هایش ادامه بدهد، برای شما سودمند خواهد بود که کتاب «دولتِ دغلکار» را بخوانید. این کتاب می گوید، اگر من جای رییس جمهور می بودم برای جلوگیری از حملاتِ بیشتر علیه آمریکا، اول از بیوه ها و بچه های یتیم و شکنجه شده هایی که همه، قربانی آمریکا بوده اند طلب پوزش می کردم، بعد اعلام می کردم که از حالا به بعد، همهء مداخلاتِ آمریکا در امورِ سایر کشورها برای همیشه خاتمه پیدا خواهد کرد.»



این گفتهء اسامه بن لادن باعث شد که کتاب «دولت دغلکار» (*Rogue State*) نوشتهء ویلیام بلام (William Blum) به فاصلهء کوتاهی به فروشی سرسام آور برسد. ویلیام بلام که اکنون ۷۱ سال دارد در مصاحبه ای با شبکهء خبری CNN گفت، «من و اسامه بن لادن از قضای روزگار وجه مشترکی داریم و آن تنفر از بعضی جنبه های سیاستِ خارجیِ ایالات متحده است. امپراتوریِ آمریکا پیش از آنکه دوباره

آدم بکشد، بمباران کند و شکنجه بدهد باید سرچایش نشانده شود. اگر سفارش بن لادن باعث شود که پیام من به مردم بیشتری برسد، چرا شکایت کنم؟»

کتاب «دولت دغلکار» شرح مستند جزئیات مداخلات آمریکا در کشورهای جهان، از جمله کودتاهای بی شمار، تشکیل جوخه های مرگ و آموزش کادرها و فراهم کردن بودجه این شکل های شبه نظامی، و روی کار آوردن دیکتاتورهای سرسپرده در کشورهای جهان سوم است. نویسنده کتاب تا سال ۱۹۶۷ کارمند وزارت امور خارجه آمریکا بود. آقای بلام در سال ۱۹۶۷ به نشانه اعتراض به جنگ ویتنام کارش را ترک کرد. در سالهای ۷۳-۱۹۷۲ به کشور شیلی رفت و تجربه دولت ملی و سوسیالیستی سالوادور آینه را قبل از کودتای آمریکایی ژنرال پینوشه مستند کرد. او سپس سالها در لندن با جاسوس سابق و معروف دیگری به نام فیلیپ ایچی همکاری کرد تا فعالیت های مخفی «سیا» را افشا کند. در دهه هشتاد میلادی در لوس آنجلس مدتی با الیور ستون فیلمساز چپگرای آمریکایی روی چند پروژه کار کرد.

براساس آماري که ماه گذشته یکی از پژوهشگران دانشگاه مریلند به نام آقای شبلی تلهامی منتشر کرده (به اتفاق شرکت نظرسنجی «زویگی اینترنشنال»)، در یک نظرخواهی در چندین کشور مسلمان در پاسخ به این پرسش که با چه جنبه ای از سازمان القاعده سمپاتی دارید، ۳۹٪ مردم گفتند به خاطر آنکه القاعده در مقابل آمریکا ایستادگی کرده است. بیست درصد (۲۰٪) دیگر گفتند حمایت شان به خاطر آن است که القاعده از اهداف اسلام دفاع می کند.

بسیاری از مفسران آمریکایی پیشنهاد آتش بس بن لادن را حمل بر ضعف او کردند اما یکی از نویسندگان روزنامه نیویورک تایمز عقیده دارد آمریکا در جنگ با تروریسم پیشرفتی نداشته، زیرا هیچ نشانه ای از رشد دموکراسی و جامعه مدنی در کشورهای عرب و مسلمان دیده نمی شود. نیویورک تایمز (۲۵ ژانویه) می نویسد، دولت های نظامی و امنیتی کماکان بر زندگی سیاسی کشورهای عرب و مسلمان چنگ انداخته اند و هر روز که می گذرد بزرگتر و قوی تر و ثروت مندتر می شوند آنها به مدد دلارهای نفتی. در باغی که با نفت آبیاری شود، گل دموکراسی نخواهد روید.

Abdee Kalantari

۲۷ ژانویه ۲۰۰۶